

جلسه اول اعتقادات

«توحيد- اثبات اعجاز قرآن»

۱- معارف قرآن

«الحمد لله و الصلاة و السلام و على رسول الله و على آله آل الله، لا سيما على بقية الله روحى و أرواح العالمين لتراب مقدمه الفداء و اللعنة الدائمة على أعدائهم أجمعين من الآن إلى قيام يوم الدين»

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتْ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا»^۱

۱- سوره اسراء، آیه ۸۸.

در دوران تحصیلاتمان چه در مشهد، چه در قم و چه در نجف؛ در بین علمای اسلامی و بالخصوص علمای شیعه یک بحثی بود که زیاد تکرار می شد بالخصوص در مشهد بین علمای مشهد. و آن بحث این بود که یکی از معارف بسیار پرازش معارف قرآن مجید است.

معارف قرآن، آن حقایقی است که از قرآن کریم علمای بزرگ استفاده کرده اند و به هیچ یک از مسایل فلسفی و افکار بشری کار نداشته اند؛ تا اینکه در یک سمیناری که در قم زیر نظر مرحوم آیت الله العظمی آقای گلپایگانی با اجتماع علمای قم تشکیل شد، من در آنجا یک بحثی را ارائه دادم که زیاد مورد توجه آن محفل واقع گردید. و آن بحث این بود که از راهی که خود قرآن وارد شده ما وارد بشویم و اعجاز قرآن را در

مرحله‌ی اوّل ثابت کنیم و بعد درباره‌ی معارف قرآن تحقیق کنیم.

عرایضی را که امروز عرض می‌کنم، مقدمه عرایضی است که ان شاء الله در آینده - روزهای جمعه - در همین ساعت بحث خواهم کرد و آنچه را که ان شاء الله بحث می‌کنم باید دوستان کاملاً، حالا از هر طریقی که هست؛ چه در تهران و چه در قم، چه در شهرهای دیگر این‌ها را خوب است که یاد بگیرند و الاّ پیشرفت مراحل تزکیه نفسشان خیلی ضعیف و یا ناچیز خواهد بود.

و من امروز به طور مختصر بحث اعجاز قرآن را عرض می‌کنم و مفصلش را در دو کتاب نوشته‌ام. اوّل: در کتاب «دومقاله» و دوّم در کتاب «توضیح آیات قرآن». و ان شاء الله در هفته‌ی

آینده باید همه‌ی دوستان، همه‌ی کسانی که مایل هستند قدمی به طرف خدا و حقایق و قرآن بردارند، باید مطلب را خوب بفهمند و این کلید معارف قرآن را ان شاء الله داشته باشند.

۲- جدیت در فراگیری عقائد

مسأله خیلی جدی‌تر و محکم‌تر از این است که شماها تا به حال گرفته‌اید. انسان چرا وقتش را به خاطر کاری که نمی‌خواهد به پایان برساند، بگذراند؟ وقت شما پر ارزش است. همه‌تان اهل تحصیلات، اهل کمالات و به خصوص در بعضی از شهرها مثل قم یا مشهد اهل علم. کوشش بکنید

که راهی را که انتخاب کرده‌اید جدی‌تر و «ان شاء الله» محکم‌تر و با دقت بیشتر پیمایید.

همه‌ی مشکلاتی که امروز ما داریم در ارتباط با مذهبمان، با دینمان به علّت این است که نشستیم و گفتیم و برخاستیم، بوده. یک گوینده‌ای می‌آید به عنوان یک جلسه و خوشحال اینکه صدها، هزارها نفر پای سخنانش نشسته‌اند و مستمعین هم به عنوان ثواب در جلسه شرکت کرده‌اند و عاقبت هم همین‌ی است که ملاحظه می‌فرمایید. کمتر عمل به حرف‌ها می‌شود، کمتر عمل و یا دقت به سخنانی که گفته می‌شود؛ این همه جلسات لااقل از اوّل انقلاب تا به حال وجود داشته، متأسّفانه می‌بینیم اهل تزکیه‌ی نفس، اهل کمالات آن چنان که باید در مدّت بیست و سه سال کار

انجام بشود، نشده! و علّت عمده‌اش این است که شنوندگان، جدّی دین را نگرفته‌اند. دینتان باید جدّی باشد. قوانین دینتان محکم‌تر و پُر عمل‌تر از قوانین و رسوماتی که در دینتان هست باشد. مثالی که شاید برایتان جالب باشد همین مسأله‌ی اعیادی است که ما در گذشته و حال داریم. رسوماتی که در عید نوروز که به هیچ وجه یا لااقل کم سابقه‌ی دینی و تأیید دین دارد، شاید از همین الان مردم مسلمان به فکرش باشند؛ امّا عید غدیری که همه چیز شیعه و همه‌ی اعتقادات انسانی و بلکه تمام مسلمان‌ها باید به فکرش باشند آن چنان به دست فراموشی گذاشته شده که اکثریت مردم مسلمان فراموشش کرده‌اند و بلکه کم‌کم می‌روند که مُنکرش شوند. و امثال این قضایا زیاد داریم. علّت عمده هم

این است که هر چه ما از قوانین دین، برنامه‌های دینی عقب
بنشینیم، برنامه‌های غیر دینی یا رسوماتمان پیشرفت می‌کند
و جایگزین آن قوانین مذهبی می‌شود.

پس بیاییم لااقل این جمع قلیلی که با یکدیگر تعهد داریم و
من گفته‌ام: «کسانی در این جلسه شرکت کنند که اهل تزکیه
نفس باشند لااقل قدم اوّل را که یقظه است برداشته باشند؛
یعنی لااقل از خواب غفلت بیدار شده باشند. لااقل اعمال
ظاهری دین که انجام واجبات و ترک محرمات است انجام
داده باشند و در مرحله‌ی یقظه باشند.

۳- اهمیت قرآن

و لذا ما چون غیر قرآن چیزی نداریم اگر هم چیزی باشد «كَسْرَابٍ بِقَيْعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً»^۲ مانند یک سرابی است که تشنه‌های دور از آب زلال معنویت و ولایت، گمان می‌کنند که آب است به آن وقتی نزدیک می‌شوند، می‌بینند سراب است. بنابراین، ما ان شاء الله برنامه‌های جلساتمان که عده‌ی زیادی در یک معنا به خاطر اینکه اگر شما جدّی باشید، مؤمن واقعی باشید، قدم در راه کمالات بردارید، مثل حضرت ابراهیم که یک نفر «أُمَّةٌ» امتی بود؛ شما هر نفرتان امتی خواهید بود. شما هر یکی‌تان وقتی که به مقام ولی خدا بودن

۲- سوره نور، آیه ۳۹.

رسیدید عده‌ای را، چراغ وجودتان سر راه‌شان را روشن خواهد کرد. بنابراین من جداً تقاضا دارم مطالب را با دقت و به عنوان درس توجه داشته باشید.

من این جلسه را که در روز جمعه برقرار کردم برای این بود که افرادی که نمی‌توانند با ما همگام باشند، حرکت به سوی خدا کنند، این‌ها کمتر بیایند و از امروز که روز اول تشکیل این جلسه است و به خصوص روز جمعه، روزی که متعلق به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه است و مهمان این بزرگوار هستیم. ولو اینکه « نَزِيلُكَ حَيْثُ مَا اتَّجَهْتُ رِكَابِي وَ ضَيْفُكَ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْبِلَادِ »^۳ در عین حال، یک خصیصه‌ای

۳- مفاتیح الحنان، زیارت امام زمان علیه السلام در روز جمعه.

روز جمعه دارد، همه‌ی مردم شیعه ولو ظاهراً به یاد حجة بن الحسن ارواحنا فداه هستند

و ما عرض می‌کنیم به آقا حضرت بقیه الله که آقا! ما درست است که دعای ندبه در این جلسه نخوانده‌ایم، ما اشکی در فراق، امروز نریخته‌ایم؛ ولی می‌خواهیم برویم به جایی برسیم که بفهمیم دعای ندبه یعنی چه؟ بدانیم که فراق شما چه مشکلاتی ایجاد کرده و غیبت شما آقا حجة بن الحسن چقدر مفسده به وجود آورده و ظهور تو چه می‌کند؟! دنیا را بهشت می‌کند. ظهور شما را ان شاء الله با چشمان بینیم که دنیا پر از عدل و داد می‌شود، ظلم و جوری نخواهد بود؛ ما می‌خواهیم به آنجا برسیم که وقتی دعای ندبه می‌خوانیم وقتی که عرض می‌کنیم «أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ» با یک سوز دلی که اگر

اشک چشمان جاری نیست، ولی تمام وجودمان طالب آن وجود مقدس است و هر چه داریم، حاضر هستیم فدا کنیم تا اینکه آن آقا بیاید، دین خدا را پیاده کند. عدل و داد که سهل است، چون عدل و داد، مال بعد از ظلم و جور است ولی صفا و صمیمیت و یگانگی و وحدت در بین مردم کروی زمین به وجود بیاورد. این مقدمه را عرض کردم، ان شاء الله خواستان را جمع کنید. توجّه‌تان را به امام زمانتان که مظهر پروردگار است، بیشتر بدهید و ان شاء الله بروید تا برسید به جایی که به یاری پروردگار از یاران خوب امام عصر ارواحنا فداه بشوید و این دعایی که همیشه در بین دعاهایتان جاری است که خدایا ما را از بهترین اصحاب و یاران حجة بن الحسن ارواحنا فداه قرار بده بشوید.

۴- آیه‌ای در اثبات اعجاز قرآن

مقدمه‌ای که باید باز امروز عرض کنم، همان مطلبی است که در ضمن آیه‌ی شریفه‌ای که در اوّل عرایضم قرائت کردم، هست. و آن این است که خدای تعالی در قرآن صریحاً می‌فرماید: بگو ای پیغمبر، اگر جنّ و انس که شامل انبیاء می‌شود غیر از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و بلکه خود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با یک بیان مختصر و توضیح مختصر، شامل ائمه‌ی اطهار علیهم السلام می‌شود، شامل تمام صالحین و صدّیقین و اولیاء خدا می‌گردد، شامل تمام اهل بلاغت و فصاحت و ادبیات می‌گردد، شامل تمام مردم. ما از اجنه اطلاع نداریم که آن‌ها مرحله‌ی علم و دانششان

چقدر است. اجمالاً می‌دانیم آن‌ها هم به علم و دانش بالایی اگر چه کمتر از انسان، ممکن است موفق باشند، می‌رسند. به دلیل اینکه وقتی سلیمان تقاضا کرد تخت بلقیس را برایش بیاورند «فَقَالَ عِفْرِیْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِیْکَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِکَ»^۴ من تخت بلقیس را از شش ماه راه برایت حاضر می‌کنم قبل از اینکه از جایت برخیزی. بنابراین در میان جنّی‌ها هم دانشمندانی هستند و به مرحله‌ی علمی بالایی رسیده‌اند.

همه‌ی این‌ها اگر جمع بشوند، تمام این‌ها پشت به پشت هم بدهند، «عَلَى أَنْ یَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ»^۵ بخواهند مانند این

۴- سوره نمل، آیه ۳۹.

۵- سوره اسراء، آیه ۸۸.

قرآن را بیاورند، نمی‌توانند. اگر نتوانستند که بعد از هزار و چهارصد سال نتوانسته‌اند، پس معلوم است که این قرآن از جانب خدا است و معجزه است.

۵- معنای معجزه بودن قرآن

معنی معجزه همین است که همه موجوداتی که در عالم هستی به چشم ما برخورد می‌کند از یک چیزی عاجز باشند. معجزه را شما در هر موضوعی گاهی اطلاق می‌کنید، ولی درست نیست. معجزه از عجز است، عجز یعنی ناتوانی، ناتوانی مطلق؛ همه‌ی موجودات ناتوان هستند. آب و هوا ناتوان، آسمان و زمین ناتوان. آنچه در آسمان و زمین ذوی‌العقول اهل آسمان‌ها و زمین که جنّ و انس باشند

ناتوان. پس این کار چه کسی است؟ این پدیده‌ای که به وجود آمده از ناحیه‌ی چه کسی انجام شده است؟ طبعاً مجبور هستیم بگوییم: خدا. اگر ما توانستیم این طوری که من معنی معجزه را عرض کردم و قرآن خودش بیان می‌کند که «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتْ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ»^۶ جن و انسی که ذوی العقول و اهل علم و اهل دانش آسمان‌ها و زمین هستند ناتوان باشند، پس به طریق اولی بقیه هم ناتوان هستند و وقتی که ناتوان بودند این قرآن را چه کسی بوجود آورده است؟ و چه کسی این را فرستاده است؟

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله اگر به او وحی نمی‌شد، خودش نمی‌توانست. ائمه‌ی اطهار علیهم السلام اگر ناشر قرآن

۶- سوره اسراء، آیه ۸۸.

نبودند، خودشان نمی‌توانستند. جنّ و انسی که اینجا در این آیه بیان شده استثناء ندارد.

۶- فرق پیامبر اکرم با سایرین در مورد قرآن

فقط فرق پیغمبر با سایرین این است که خدا قرآن را، حقایق قرآن را، تمام علوم قرآن را به قلب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل فرموده- همانطوری که در شب‌های احیاء برایتان عرض کردم- که نزول اولیه علم ذات مقدّس پروردگار که بعد از نزول، معلومات می‌شود و علم پروردگار در جای خود هست و یک معلوماتی برای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به وجود آمده است. آنجا به قلب پیغمبر نازل شده که می‌فرماید: بگو: «إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ» من یک بشری مثل شما هستم، ولی

«يُوحَىٰ إِلَىٰ»^۷ به من وحی شده است، قرآن نازل شده است، من آینه‌ی تمام نمای پروردگار شده‌ام، من آینه‌ی علم پروردگار گردیده‌ام. پس بنابراین، خیلی پیغمبر با سایرین فرق دارد که معصوم از جهل است و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام هم همچنین معصوم هستند و جهلی در وجود این‌ها وجود ندارد.

۷- با اثبات اعجاز قرآن چه چیزهایی ثابت می‌شود

پس بنابراین، اگر ما توانستیم که توانسته‌ایم، نه ما توانسته‌ایم، ائمه‌ی اطهار و خود قرآن توانسته که اعجاز خود را ثابت کند؛

۷- سوره کهف، آیه ۱۱۰.

اگر ما هم با شما دور هم نشستیم و توانستیم که اعجاز قرآن را ثابت کنیم، با یک عمل سه کار کرده‌ایم. و ان شاء الله این کتاب «توضیح آیات قرآن» را حتماً بخوانید و مقدمه‌اش را و ان شاء الله این مطلب را از اینجا یاد بگیرید. اوّل خدا ثابت می‌شود، دوم رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ثابت می‌شود، سوم مطالب قرآن حُجَّت پیدا می‌کند.

یک دلیل محکم برای اثبات وجود خدا که معجزات انبیاء است و معجزات انبیاء دو بخش داشته؛ یک بخش آنی و فوری و در همان زمان بوده است. مثلاً حضرت عیسی مرده را زنده می‌کرد، بیننده‌های همان زمان دیدند که مرده‌ای زنده شده به او ایمان آوردند. یا مثلاً کوری را شفا می‌داد، یا فلجی را شفا می‌داد. این‌ها همان جا می‌دیدند و معجزه‌ی حضرت

عیسی یا حضرت موسی که عصا را می انداخت ازدها می شد
یا سایر انبیاء همان لحظه ای بوده و بینندگان همان زمان،
همان زمان، آن ها ایمان می آوردند و دلشان آرام می شد که این
پیغمبر است و از جانب خدا آمده است. امّا برای ما «الْخَبَرُ
يَحْتَمِلُ الصِّدْقَ وَ الْكُذْبَ» البته چون قرآن به ما گفته ما قبول
می کنیم ولی تعبداً قبول می کنیم؛ چیزی را ندیده ایم که
معروف است می گویند: شنیدن کی بود مانند دیدن. امّا چون
دین مقدس اسلام دین باقی است، پیغمبرش خاتم؛ یعنی
پایان دهنده ی انبیاء. و این دین باید تا قیامت باشد که «شَرْعُ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمٍ مُسْتَمِرٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»
دین پیغمبر تا روز قیامت استمرار دارد. «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ

يَدِيهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ»^۸ هیچ باطل کننده‌ای که بیاید این دین را نسخ کند و دین دیگری جایش بگذارد بعد از او نخواهد آمد، بعد از قرآن نخواهد آمد. پس بنابراین، قرآن بر قلب پیغمبر نازل شده است.

همه‌ی حقایق و معارف قرآن ان شاء الله در زمان ظهور ظاهر می‌شود ولو اینکه الان هم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برای مردم بیان کرده است، منتها سیاهی ظلم آمده جلوی این حقایق را گرفته و استاد این کتاب و خود آن کتاب را در پرده‌ی غیبت گذاشته و ما مجبور هستیم که به همین مقداری که در اختیارمان هست اکتفاء کنیم. همین مقداری که در اختیارمان هست؛ نه اینکه فکر کنید من قائل به

۸- سوره فصلت، آیه ۴۲.

تحریف قرآن هستم من در کتاب نوشته‌ام که قرآن تحریف نشده است، این مقدار یعنی توضیحاتی که در کتاب علی بن ابیطالب علیه السلام، پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله داده و علی بن ابیطالب علیه السلام نوشته و آورد به مردم داد، مردم نپذیرفتند چون در آن حقایقی بود که با بعضی از امیال و هواهای نفسانی قدرتمندان آن زمان مخالفت داشت لذا به علی بن ابیطالب علیه السلام پس دادند و علی بن ابیطالب علیه السلام هم به امام مجتبی علیه السلام و همین طور داده شد به هر یک از ائمه، به امام دیگر دادند تا الان در دست حضرت بقیه الله ارواحنا فداه است. من فکر می‌کنم اگر یک زمانی ما آن وجود مقدّس، آن مظهر قرآن را ببینیم، یک کتاب دارد به نام «کتاب علی»؛ تفسیر قرآن مجید، همه‌ی حقایق در

آن خواهد بود ولی همین قرآنی که اصل و متن قرآن است بدون توضیح. و هر کسی هم درباره‌ی این آیات سخنی گفته است. من یادم می‌آید در یک کلمه صاحب کتاب «تفسیر کبیر» که فخر رازی است، امام المشککین، اسمش را گذاشته‌اند، به این جهت می‌گویم درباره‌ی یک کلمه گاهی آن قدر تشکیک می‌کند و به قدری هی احتمالات مختلفی می‌دهد و متأسفانه حتی یکی از این احتمالات حقیقت ندارد و آنچه که خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام فرموده‌اند حقیقت دارد. چون سنّی است، نمی‌خواهم بگویم: سنّی‌ها هر چه گفته‌اند باطل است امّا از سرچشمه‌ی ولایت اهل بیت علیهم‌السلام نگرفته‌اند، ولی شماها بحمدالله اگر چه ضعیف، یک قطره هم باشد آب پاک باشد. یک قطره هم که

هست آب تمیز باشد، نه اینکه دریاها آب کثیف که یک قطره‌اش را نمی‌شود خورد. یک نفری در دریا در کشتی از تشنگی مرده بود به خاطر اینکه آب دریا را نمی‌شود خورد. آب شور و تلخ را که نمی‌شود خورد. باید آب از سرچشمه‌ی زلال ولایت سرازیر بشود و اگر چه یک عوام، هر چه قدر هم عوام باشد همان که می‌داند، یک قطره هم که باشد از سرچشمه‌ی ولایت و محبت و اطاعت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است و از سخنان علی بن ابیطالب علیه السلام و پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام است.

بنابراین، من اثبات اعجاز قرآن را به خود شما وا می‌گذارم که در کتاب «توضیح آیات قرآن» نوشته‌ام و این راهی که من

عرض کرده‌ام و ارائه داده‌ام تقریباً از مسائلی است که جنبه‌ی ابداع دارد؛ یعنی در کتاب‌های دیگر من ندیده‌ام شاید هم باشد که در کتاب‌های دیگر این طور توضیح داده باشند که من فهرستش را برایتان می‌گویم.

۸- طریقه اثبات اعجاز قرآن

اول اینکه، قرآن را از جهت خود قرآن بسنجیم ببینیم معجزه است یا نه؟ این را ما فارسی زبان‌ها کمتر موفق هستیم، به جهت اینکه ما فارسی زبان‌ها نمی‌توانیم اعجاز فصاحت و بلاغت قرآن را درک کنیم، چون اهل زبان نیستیم و یقیناً بیشتر اعجاز قرآن روی فصاحت و بلاغتش است. دانشمندان عربی زبان حتی مادینشان، یک مردی است

مادی، خدا را قبول ندارد به نام «شبلی شمیل» - رهبر مکتب مادی است - این می‌گوید: قرآن اگر چه من منکر دین پیغمبرم ولی نمی‌توانم فصاحت و بلاغت قرآن را منکر باشم! فصاحت و بلاغت قرآن عجیب است و بیشتر نظر هم در آن زمان روی فصاحت و بلاغت بوده، پیشگویی‌های قرآن را هنوز مردم زمان پیغمبر ندیده بودند که بگویند: قرآن معجزه است، حقایق علمی که بعدها می‌خواهد ظاهر بشود آن‌ها ندیده بودند، کرویت زمین، حرکت وضعی و انتقالی زمین را آن‌ها هنوز نمی‌توانستند بفهمند تا بخواهند بگویند: چون قرآن در آن زمان بیان کرده معجزه است؛ ولی بلاغت و فصاحت قرآن آن چنان بود که وقتی یک آیه‌ی قرآن را پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به خانه‌ی کعبه نصب کرد، تمام

شعرای عرب که در شعر و ادبیات و فصاحت و بلاغت آن چنان بالا رفته بودند که دقیقاً باید عرض کرد، از زمان حضرت آدم تا آن روز آن قدر آن‌ها در فصاحت و بلاغت پیشرفت نکرده بودند این آیه که نصب شد «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَيَا سَمَاءُ اقْلَعِي»^۹ تا آخر آیه همه آمدند نگاه کردند گفتند: اگر این فصاحت و بلاغت است، فصاحت و بلاغت ما اصلاً ارزشی ندارد. ولی چون ما فارسی زبان هستیم متأسفانه اهمیت به زبان عربی هم با آن همه ارزشش نمی‌دهیم! از این اعجاز ممکن است مطلع نباشیم ولی از مسایل دیگر، زمانمان ایجاب می‌کند که بحمدالله مطلع باشیم. آن روزی که فلسفه‌ی بطلمیوس می‌گفت: زمین یک جا ایستاده و

۹- سوره هود، آیه ۴۴.

مسطّح است و تمام کرات دور زمین می چرخند؛ آن روز پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله یعنی قرآن مجید به حرکت وضعی و انتقالی زمین اشاره کرده که من در آن کتاب نوشته‌ام. در آن روزگاری که فکر می کردند زمین روی آب است و حتّی در کتاب تورات و انجیل هم هست که زمین روی شاخ گاوی است و گاو روی پشت ماهی و ماهی در آب؛ ولی قرآن آن وقت کرویت زمین را با صراحت تقریباً بیان فرموده «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ»^{۱۰} - مطالعه کنید ببینید چقدر صراحت دارد- بر اینکه کره‌ی زمین گرد است و کروی است و خورشید مشرق و مغرب دو مشرق و دو مغرب دارد که عرض کردم بحثش در اینجا هست، از پیشگویی‌هایی که قرآن کرده

۱۰- سوره الرحمن، آیه ۱۷.

زیاد در قرآن مشاهده می‌کنید که من چند مطلبش را در اینجا نقل کرده‌ام. خود قرآن بذاته معجزه است.

مطالبی دارد که انسان را مبهوت می‌کند. شما می‌دانید مردم این زمان، در این قرن بیستم، از نظر علمی چقدر رشد کرده‌اند، به کرات دارند می‌روند. همین افکار علمای بزرگ مسلمان، علمای بزرگ غیر مسلمان دارند. و روی قرآن فکر کرده‌اند و خود قرآن مردم را خواسته، تحدّی کرده؛ یعنی مردم را به جنگ و نزاع با خودش دعوت کرده و گفته بگو: اگر یک سوره بخواهید مثل قرآن بیاورید، نمی‌توانید و اگر جن و انس پشت به پشت هم بدهند بخواهند مانند این قرآن را بیاورند نمی‌توانند. در عین حال هیچ کس یک چنین کاری نتوانسته بکند والا اگر می‌کرد، خوب فُصحاء و بُلغاء بودند و هستند و

دانشمندان حتی دانشکده‌ی ادبیات هست این‌ها جمع می‌شدند و می‌گفتند: چرا بیخود حرف می‌زنید این کتاب بهتر از قرآن است. پس بنابراین آنچه که ما را ملزم می‌کند با تحقیق در اعجاز قرآن، با اعجاز الفاظ و کلمات و مطالب قرآن ملزمان می‌کند که بگوییم: خدا هست چون غیر خدا که نمی‌تواند این کار را بکند. پس خدایی این آیات را نازل کرده است.

۹- مطالبی که با اثبات اعجاز قرآن ثابت می‌شود

مطلب دوّمی که در اثبات این حقیقت به ما داده می‌شود، این است که ما به رسالت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله ایمان می‌آوریم. به جهت اینکه رسول یعنی چه؟ یعنی کسی که کلام

خدا را منتقل بکند به مخلوق خدا، این رسول است. اثبات رسالت رسول اکرم صلی الله علیه وآله.

سوم: هر چه حقیقت در قرآن هست، هر چه هست، همه‌ی مطالبش حق، واقع، صحیح و با حقیقت است. نمی‌شود که از طرف خدا به صورت اعجاز، قرآنی کتابی نازل بشود و امین وحی‌اش به دست ما بدهد و این مطالبش مثل یک کتاب فلسفه احتمال داشته باشد که درست است یا احتمال داشته باشد که درست نیست. یا احتیاج به منطق داشته باشیم تا صغری و کبری و نتیجه و از این مسایل تنظیم کنیم تا بتوانیم این حقیقت را اثبات کنیم. لازم نیست. پس بنابراین تمام حقایق قرآن هم برای ما راهگشا است.

ببینید، دلم می‌خواهد آقایان! یک خرده‌ای دقت کنید. شما تمام زحمتی که بخواهید بکشید که تا اعجاز قرآن برایتان ثابت بشود، یک هفته است. در ظرف یک هفته شما چه گنج عجیبی به دستتان رسیده؟! اثبات وجود خدا، اثبات رسالت. بگویید: ما رسول اکرم صلی الله علیه وآله را قبول داریم. این قبول داشتنِ شما یک پول ارزش ندارد. بابایتان مسلمان بوده گفته پیغمبر، شما هم می‌گویید: پیغمبر. این اعتقادتان به پیغمبر چه فایده‌ای دارد؟ باید بدانید پیغمبر یعنی چه؟

و مهم‌تر از همه هر حقیقتی که در عالم هستی هست، هر حقیقتی که در عالم هستی هست، هر چه هست تمام این‌ها را در قرآن خدای تعالی بیان کرده است. لذا در علم هر چه

می‌توانید بروید جلو. یکی از حکماء بود، یکی از فلاسفه بود. هم حکیم بود، هم فیلسوف بود، یک وقتی با من صحبت می‌کرد، با هم صحبت می‌کردیم، ایشان مرد بزرگی بود، یک مطلبی بحث شد، گفت: علم کلام - البته علم کلام هم اشکالاتی دارد نمی‌خواهم صد درصد صحّه بگذارم روی علم کلام. من معتقد هستم که آنچه که ما داریم حکمت است نه، فلسفه. علم کلام ایشان می‌گفت و منظورش قرآن و روایات بود - انسان را به بن بست می‌رساند یعنی به جایی می‌رساند که اگر ما نفهمیدیم، بگوییم چون خدا گفته قبول داریم. اینجا بن بست است، او می‌گفت. و چون پیغمبر گفته قبول داریم. ولی فلسفه نه این طور نیست، هر چه می‌فهمی جلوتر می‌روی، هر چه فکر می‌کنی جلوتر می‌روی!

من در جوابش می‌دانید چه گفتم؟ حقیقت هم همین است که قرآن آن قدر عمیق است، آنقدر پیشرفت دارد که اگر میلیون‌ها سال - در روایت داریم که در بهشت هم باید قرآن بخوانید - اگر میلیارد‌ها سال شما هر روز کلی علم یاد بگیرید باز هم باید در قرآن فرو بروید و بروید جلو. آن کتابی که عرض کردم در دست امام عصر ارواحنا فداه هست همه چیز تویش دارد و باز باید خود امام عصر بیاید این را تفسیر کند، بیان کند، توضیح بدهد.

بنابراین - خوب دقت کنید - قرآن کتابی است که هر چه می‌خواهی بروی جلو برو، تعمق کن، فرو برو با نظارت پروردگار. فلسفه بدون نظارت پروردگار است - این را دقت کنید - پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی که با مشرکین

جنگ می‌کرد یک عده بلند شدند صدا زدند: «إِنَّ لَنَا الْعُزَّى وَلَا عُزَّى لَكُمْ» خطاب کردند به مسلمان‌ها که ما بت عزّی داریم شما عزّی ندارید، عزّی را آورده‌ایم توی جنگ کمکمان می‌کند.» حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به مسلمان‌ها فرمود: شما هم شعار بدهید «اللَّهُ مَوْلَانَا وَ لَا مَوْلَى لَكُمْ» خدا مولای ما است، خدا سرپرست ما است.

این قرآن را بروید جلو با راهنمایی خدا و سرپرستی خدا ولی آن‌ها (مشرکان، فلاسفه) راهنما و سرپرست ندارند. چه طور سرپرست و راهنما ندارند؟ یک روز گفتم: فلسفه بطلمیوس می‌گفت: زمین کروی نیست یک جا ایستاده، امروز تمام حرف‌های فلاسفه در علم هیأت باطل شده و بلکه تمام حرف‌هایشان در طبیعیات، در طبابت، در فواید اشیاء باطل

شده و مسایل جدیدی روی کار آمده است. آن‌ها اگر پیش می‌روند، مثل این می‌ماند یک صراط مستقیمی خدای تعالی درست کرده، شما توی صراط مستقیم هر چه می‌توانید، بروید جلو. امّا، آن‌ها گاهی از طرف راست، گاهی از طرف چپ پرت می‌شوند حالا بر فرض از سر کوه قلّه‌ی دماوند یکی پرت بشود بیاید تا پایین چه فایده دارد؟ بلکه خودش هم از بین می‌رود!

بنابراین قرآن را این طور بشناسید و این همه حقایق که اگر ان شاء الله اهل تزکیه‌ی نفس باشید، دلتان پاک بشود، قلبتان پاک بشود، حکمت الهی در دلتان سرازیر بشود یک چیزهایی از قرآن می‌فهمید که احدی از علماء و دانشمندان ممکن است متوجّه آن نباشند.

پس ببینید، با یک کار که ان شاء الله هفته‌ی آینده این کار را خواهید کرد، اگر نکنید، هم به خودتان ظلم کرده‌اید، هم به من. می‌گویید: به تو چه ظلمی کرده‌ایم؟ من، بدانید همین امروز که اینجا خودم را رسانده‌ام با چه زحمتی خودم را رسانده‌ام و این هم بدانید بعضی از شماها می‌دانند با چه مشکلی؛ و منّتی ندارد. اگر شما در این هفته‌ی آینده اعجاز قرآن را ثابت کردید در دلتان، با همان راهی که بیان کردم، خدا برای تان ثابت است، پیغمبر برای تان ثابت است، یک قدم بسیار بلندی در راه پیشرفت و کمالات برداشته‌اید و حقایق قرآن را هم قبول دارید که هر چه قرآن می‌گوید حق است و ان شاء الله در هفته‌های آینده وارد می‌شویم در حقایقی که از ناحیه‌ی روایات و خود قرآن بیان شده تا بینید با همه‌ی

بی بضاعتی علمی مان، با همه‌ی اینکه ما از سرچشمه‌ی علم و دانش دور هستیم، با همه‌ی اینکه خدای تعالی این لطف را «ان شاء الله» به ما خواهد کرد که آن چشمه‌ی ولایت، آن حقیقت، آن وجود مقدس، «قرآن ناطق» را به ما برساند تا بتوانیم حقایقی را درک کنیم که اصلاً کسی بلد نیست و نمی‌تواند حتی بفهمد و همه‌ی ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام آن چیزی که تا به حال برای ما بیان کرده‌اند به اندازه‌ی در خور فکر مردم آن زمان تا زمان ظهور بوده است.

هیچ وقت سر کلاس اوّل دبستان استاد دانشگاه، پرفسوری نمی‌آید مطالب علمی خودش را بیان کند، همان درس کلاس اوّل را می‌دهد و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام علاوه بر آنکه نگذاشتند که آن‌ها به مردم توجّه کنند، به مردم رسیدگی

کنند، با مردم باشند، علاوه بر این، آن‌ها زمینه ندیدند؛ کسی که فرقی بین معاویه و علی بن ابیطالب علیه‌السلام نمی‌گذارد، فرقی بین حسین بن علی علیه‌السلام و یزید بن معاویه نمی‌گذارد، این بشر را، این مردم را چطور می‌شود حقایق قرآن را به آن‌ها یاد داد؟ گوش نمی‌دهند، توجه نمی‌کنند، ظرفیتش را ندارد و به هیچ وجه تعلیم نمی‌بینند.

بنابراین، حالا که خدای تعالی این لطف را به شماها کرده و دارید عرایض را گوش می‌کنید- فرقی هم نمی‌کند این مجلس باشد یا در قم و تهران، یا مشهد و شهرهای دیگری که خُب شنیده‌ام دوستان زحمت کشیده‌اند من هم از آن‌ها متشکرم که صدا را به آن شهرها می‌رسانند- و ان شاء الله امیدواریم که همه، این کار را که عرض کردم بکنند و اعجاز

قرآن را برای خودشان ثابت کنند. من هم در اختیاران هستم اگر یک جایی مشکلی داشتید نمی دانم آن مقداری که من در کتاب توضیح آیات توضیح داده ام مشکلی باقی گذاشته باشد. در عین حال در خدمتان هستیم. این درس امروز را مهم ترین درس و برنامه بدانید تا ان شاء الله اگر قرآن اعجازش ثابت شد بعد از همین آیاتی که تلاوت می کنید در هفته، شما هم در آیات دقّت کنید، کوشش می کنیم که از اثبات وجود خدا و یک دوره عقاید ان شاء الله و بعد هم ان شاء الله به یاری پروردگار معارف حقّه ی دیگر بیان بشود تا یک گام بزرگی به سوی خدا برداشته باشید.

۱۰- اهمیت شناخت خدای تعالی

انسان قدمی که به طرف کسی بر می‌دارد، باید اول طرف را بشناسد. اینکه می‌بینید ما شُل حرکت می‌کنیم در راه خدا و برای لقاء خدا برای این است که خدا را نمی‌شناسیم. قبلاً به ما معرفی نکرده‌اند خدا چیست؟ یک چیزی به نظرمان می‌آید که این مشرکین هم که بت می‌پرستند همان چیز تقریباً به نظرشان می‌آید و مسیحیان هم همان چیز به نظرشان می‌آید. یک چیزی، خدایی هست؛ حالا این خدا کجا است؟ «أَقْرَبُ إِلَيْكَ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ فَعَالٌ لِّمَا يَرِيدُ» واقعاً ما خدا را این طوری می‌شناسیم؟ یک قدری درباره‌ی این مسائل ان شاء الله صحبت می‌کنیم.

امیدواریم که همه‌تان در راه خدا حرکت کنید و از کسانی که در مرحله‌ی یقظه هستند از آن‌ها گرفته - چون این مطالبی که عرض کردم مربوط به مرحله‌ی یقظه است - از آن‌ها گرفته تا مراحل بالا ان شاء الله همه استفاده کنند.

۱۱- پایان کلام

خب روز جمعه است می‌دانم. شما عاشق که هستید و به چه علاقه دارید؟ امروز، روز امام زمان است و تعدادی از دوستانتان در جمکران الان و ما هم شب‌های احیاء آنجا بودیم، شما هم اینجا بودید، ولی
بعد منزل نبود در سفر روحانی
عاشق ار مشعوق را بی‌وصل بیند عاشق است

امام عصر ارواحناده را همیشه در کنار خودتان ببینید و بدانید. آن وجود مقدس است که ما را نگه داشته در این دنیای پر از درد سر و محن و گرفتاری. آن حضرت در بعضی از کلماتشان می‌فرمایند: که بر من سخت است که ناراحتی‌های شما را ببینم. همان کلامی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ، خدا از قول او نقل می‌کند که «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ»^{۱۱} بر پیغمبر سخت است که ناراحتی شما را ببیند. همه‌ی زحمات انبیاء یا اولیا این بود برای این بود که شماها از گرفتاری نجات پیدا کنید. گرفتاریهای دنیا ارزشی ندارد، اهمیتی هم ندارد زودگذر است بالاخره صد سال دیگر،

۱۱ - سوره توبه، آیه ۱۲۸.

هیچ یک از این گرفتاری‌هایی که الان ما داریم برایمان نیست. ولی آن گرفتاری‌هایی که «وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بِاقٍ»^{۱۲} هر چه که در نزد خدا است، باقی است گرفتاری‌هایی که در عالم قیامت، در عالم برزخ، در عالم قبر برای انسان ممکن است پیش بیاید آن گرفتاری‌ها را امام عصرمان اگر به او علاقه داشته باشید، برطرف می‌کند. شروع گرفتاری‌های هر فاسق و فاجری که شیعه‌ی علی بن ابیطالب علیه‌السلام نباشد، موقع مرگ است. ولی امام عصر ارواحناده تشریف می‌آورد. «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ»^{۱۳} و به شما اظهار محبت می‌کند؛ همان طوری که علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمود: «يَا حَارِ هَمْدَانِ

۱۲ - سوره نحل، آیه ۹۶.

۱۳ - سوره اسراء، آیه ۷۱.

مَنْ يُمُتْ يَرْنِي»^{۱۴} ای حارس همدانی هر که بمیرد من را می‌بیند. و ان شاء الله شما طوری قدم برداید که وقتی امام زمانتان را می‌بینید با روی باز، بشّاش، با محبّت، با شما برخورد کند.

خدایا تو می‌دانی که ما هدفی جز تو و امام زمانمان نداریم. ما می‌خواهیم به تو برسیم و دست تو که امام زمان ارواحنافداه است در دستانمان باشد. خدایا ما می‌خواهیم به لقاء تو برسیم و مظهر تو که امام عصر ارواحنافداه است، او را ببینیم و از محضرش استفاده کنیم. خدایا ما می‌خواهیم به کلام تو برسیم، با زبان تو که آن زبان امام عصر ارواحنافداه است، که لسان الله است، با ایشان ملاقات کنیم. خدایا ما تو را

۱۴- بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۸۰.

می‌خواهیم. خدایی که تمام عالم هستی تحت نظر او است و امام عصری که تمام ماسوی الله زیر نظر او است. خدایا ما تو و او را می‌خواهیم. امروز هم جمعه است، من نمی‌خواهم بعضی حرف‌ها را بزنم چون این میزبان غیر از میزبان‌های دیگر است. این میزبان آن چنان ما را دوست دارد که اگر ما تقاضایی از او داشته باشیم و به مصلحتمان نباشد به ما شاید ندهد، چون ما نمی‌فهمیم. «عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا فَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ»^{۱۵} ولی این اندازه هست که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَكْرَمُ الضَّيْفِ وَلَوْ كَانَ كَافِرًا»^{۱۶} مهمان را گرامی بدارید ولو اینکه کافر باشد.

۱۵- سوره بقره، آیه ۲۱۶.

۱۶- بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۹۳۷.

آقا امام زمان! به ما گفته‌اند، ما نمی‌فهمیم معنی مهمانی ما امروز در محضر تو به چه معنا است؟ ما نمی‌فهمیم این را. ولی این اندازه می‌دانیم به ما گفته‌اند که مهمان را گرمی بدارید ولو اینکه کافر باشد. اگر یک مهمانی برای ما بیاید از ما تقاضایی داشته باشد مخصوصاً این تقاضا که صاحبخانه! بیا ما ببینیمت. هر چه در توانمان باشد این کار را می‌کنیم. یا بقیة الله! این اقلّ حقّی است که مهمان از میزبان باید تقاضا کند ما شما را ببینیم، زیارتان کنیم، لا اقلّ بتوانیم با شما حرف بزنیم، از حقایق و علومی که خدا در اختیاران گذاشته استفاده کنیم. شاید هنوز کنار قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام باشید، با یک چشم دلی برویم کربلا کنار قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام. «السَّلامُ عَلَیکَ یا

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الشَّهِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَبَرَكَاتُهُ»

«نَسْئَلُكَ اللَّهُمَّ وَنَدْعُوكَ بِأَعْظَمِ أَسْمَائِكَ وَبِمَوْلَانَا صَاحِبِ
الزَّمَانِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
يَا اللَّهُ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ يَا إِلَهَ
الْعَالَمِينَ يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ عَجَّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ. عَجَّلْ لِمَوْلَانَا
الْفَرَجَ عَجَّلْ لِسَيِّدِنَا الْعَزِيزِ الْفَرَجَ» خدایا فرج آقای ما، امام
زمان را برسان، ما را از بهترین یاران و اصحابش قرار بده. قلب
مقدسش را از ما راضی بفرما، خدایا! گرفتاری های مسلمین به
برکت وجود امام زمان برطرف بفرما خدایا! حوایج این جمع
برآور. خدایا! روزه های ماه رمضان ما را قبول بفرما. پروردگارا! ما

را از بندگان خالص خودت قرارمان بده. امواتمان، شهدامان
غریق رحمت بفرما. عاقبتمان ختم به خیر بفرما «و عَجَّلْ فِی
فَرَجِ مَوْلَانَا»